

تحلیل عناصر داستانی طوطی نامه

دکتر علیرضا نبی‌لو

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم

دکتر منوچهر اکبری

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

چکیده

در این پژوهش، ساختار داستانهای طوطی نامه از جهات مختلف بررسی شده است. طوطی نامه از داستانهای منثور غنایی و تمثیلی است که به روش هزار و یک شب بیان شده است. در داستانهای طوطی نامه اغلب ویژگیهای قصه‌ها را می‌توان یافت؛ ویژگیهایی چون تأکید بر حوادث، وجود امور خارق‌العاده، محکم نبودن روابط علت و معلولی میان رویدادها، مطلق‌گرایی، ختم شدن به نتایج اخلاقی، تغییر ناپذیری شخصیتها، کیفیت روایت و فرضی بودن زمان و مکان. لحن و بیان تمام داستانها، جدی است و از طنز و مطایبه در بیان آنها اثری دیده نمی‌شود. مجموعاً ۱۰۰ داستان در طوطی نامه وجود دارد. در داستانهای این اثر از ۵۲۱ شخصیت استفاده شده است که ۶۷/۵ درصد عام و ۳۲/۵ درصد خاص هستند. بیشترین شخصیتها حیوانات (۲۲/۵ درصد) و صاحبان مشاغل (۱۹ درصد) است. راویان و گویندگان داستانهای طوطی نامه عبارتند از: طوطی که ۵۷ درصد داستانها را نقل می‌کند. حیواناتی نظیر شارک، مار، شغال و... ۱۱ درصد داستانها، خجسته ۸ درصد داستانها، انسانهای دیگر نظیر راهب، وزیر، پادشاه، و... ۱۸ درصد از داستانها از نقل می‌کنند و راوی ۶ درصد از داستانها

۱۴۱



فصلنامه پژوهشهای ادبی سال ۵، شماره ۱۸، زمستان ۱۳۸۶

نامعلوم است. از مجموع ۱۰۰ داستان ۶۹ درصد دارای کنش و ۳۱ درصد فاقد کنش خاصی است. همچنین ۵۴ درصد داستانها نتایج و توصیه‌های اخلاقی دارد و ۴۶ درصد فاقد این امر است. در ۳۵ داستان به حوادث خارق‌العاده اشاره شده، ۱۵ درصد داستانها دارای زمان و ۸۵ درصد فاقد زمان است و سرانجام اینکه از مجموع ۱۰۰ داستان، ۵۰ درصد مکان‌دار و ۵۰ درصد فاقد جایگاه مکانی مشخص است. برای ملموس‌تر و عینی‌تر شدن پژوهش، نتایج با جدول و نمودار نشان داده شده است.

کلید واژه‌ها: طوطی‌نامه، ساختار داستان، داستان‌پردازی، راوی در داستان، زمان و مکان در داستان

پیشینه پژوهش

در کتاب «بررسی حکایت‌های حیوانات تا قرن دهم» (تقوی، ۱۳۷۶: ص ۲۸، ۴۳، ۱۰۴) به ساختار و ریخت‌شناسی داستانهای آثاری چون کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه، جواهرالاسمار و... پرداخته شده و به تناسب کتاب اخیر، که تحریر دیگری از طوطی‌نامه است، اشارات محدودی به طوطی‌نامه نخشی شده است. در مقاله «قصه‌های عامیانه و طوطی‌نامه» (بالانی: ۱۳۸۴، ص ۲۵) و مقاله «درآمدی بر طوطی‌نامه با جذابیت امروزی» (گرچی: ۱۳۸۴، ص ۴۵) نکاتی کلی درباره طوطی‌نامه‌ها آورده شده، ولی در هیچ کدام با این تفصیل و روش به طوطی‌نامه پرداخته نشده است.^۱

مقدمه

میان قصه و داستان از نظر ساختار و عناصر تشکیل دهنده، تفاوت‌هایی وجود دارد که این تفاوتها در بررسیهای معاصر بیشتر نمایان شده است. «بعضی از نویسندگان اصطلاحات قصه و داستان کوتاه را مترادف هم می‌دانند، اما این طور نیست. قصه، روایت ساده و بدون طرح و نقشه‌ای است که اتکای آن به طور عمده بر حوادث و توصیف است... نمونه این شکل کار در ادبیات ما فراوان است؛ چهل طوطی، مجموعه‌ای از این گونه است» (یونسی، ۱۳۸۴: ص ۱۰).

در مطالعه و بررسی ادبیات داستانی کهن و سنتی گاهی از روی تسامح این دو را به جای هم - بویژه داستان را به جای قصه - به کار برده‌اند. در این مقاله، داستان به

معنای اعم به کار رفته است و تمام ویژگیهای قصه‌ها و حکایات طوطی‌نامه را در برمی‌گیرد. «در آثار مشابه کلیله چون مرزبان‌نامه، داستانهای بیدپای، فرائدالسلوک و طوطی‌نامه کمتر از مثل و بیشتر از حکایت، داستان و افسانه و گاه قصه استفاده شده است» (تقوی، ۱۳۷۶: ص ۸۳).

برای بررسی ساختار داستانهای طوطی‌نامه علاوه بر بیان مختصات کلی خود اثر، عناصر سازنده داستانها از وجوه مختلف مورد مطالعه قرار گرفت؛ یعنی ضمن بیان نوع داستان و طرز بیان و حجم آنها به عناصر اصلی سازنده داستانها پرداخته شد؛ عناصری چون شخصیت، راوی، کنش، نتایج اخلاقی، حوادث خارق‌العاده، زمان و مکان. این بررسیها ناظر بر ابعاد زمانی، محتوایی، حجمی و ساختاری داستانهاست. دسته‌بندی شخصیت‌های داستانها، راویان، داستانهای کنش‌دار و فاقد کنش، بیان مهمترین نتایج اخلاقی، اشاره به داستانهایی که از حوادث خارق‌العاده برخوردار است و مشخص نمودن مختصات زمانی و مکانی داستانها مورد نظر این پژوهش است.^۲

بررسی ساختار داستانهای کهن ضمن اینکه به شناخت بهتر آثار کمک می‌کند، طرز تلقی داستانپردازان سنتی را از عناصر داستان مشخص می‌کند. همچنین خواننده را از نوع به کارگیری عناصری چون شخصیت، راوی، زمان و مکان و... توسط قدما آگاه می‌سازد و از طرفی انواع و بسامد این عناصر بهتر نشان داده می‌شود.

طوطی‌نامه

طوطی‌نامه تألیف ضیاء نخشبی (سال ۷۳۰) اصل آن هندی است و از کتاب سوکه سپتتی یعنی هفتاد طوطی گرفته، و در دوره ساسانیان از سانسکریت به پهلوی برگردانده شده است.^۳ موضوع طوطی‌نامه این است که بازرگانی به تجارت می‌رود و زن جوانش در غیاب او به فکر معاشرت با امیرزاده‌ای می‌افتد. طوطی به عنوان راوی داستان با بیان قصه‌هایی که حاوی پند و اندرز است او را به مدت ۵۲ شب سرگرم می‌کند و در شب آخر، بازرگان برمی‌گردد و زن کشته می‌شود. تحریرهای دیگری تحت عنوان جواهرالاسمار و چهل طوطی از این کتاب در دست است. «سه اثر شبیه به هزار و یک شب یعنی سندبادنامه، بختیارنامه و طوطی‌نامه... در چهار چوب ایده اخلاقی خاصی تدوین یافته‌اند» (ریپکا، ۱۳۶۴: ص ۱۳۹).



این آثار اغلب به سبک و سیاق هزار و یک شب و به شیوه بیان داستان در داستان و بعضاً با بیانی تمثیلی نوشته شده است. «بعضی از قصه‌های هزار و یک شب و طوطی‌نامه و اصولاً گروه قصه‌هایی که بر الگوی ساختمانی «هزار و یکشب» تنظیم شده و اصلشان از هند است، اغلب جنبه تمثیلی دارد» (میرصادقی، ۱۳۶۷: ص ۲۰۵)^۵ گذشته از ابتدای داستانها که جنبه توصیفی دارد و با سجع و موازنه همراه است در سایر بخشها، زبان طوطی‌نامه سلیس و نسبتاً روان است. «مشهورترین تألیفات ضیاء نخشی طوطی‌نامه است که اصل آن هندی بوده و این مرد آن را به سال ۷۳۰ هجری قمری به لباس عبارت فارسی سلیس در آورده و آن کتاب که متضمن یک عده قصه و حکایت است به غالب زبانها ترجمه شده» است (محجوب، ۱۳۸۳: ص ۴۶۰).

ویژگیهای کلی داستانها

نوع داستانها

از نظر نوع داستان در طوطی‌نامه هم داستانها و قصه‌های غنایی و عاشقانه دیده می‌شود و هم قصه‌های حیوانات با ابعاد تمثیلی می‌توان یافت. از سوی دیگر برخی داستانها جنبه آموزشی و پند آموز دارد.

برخی از بخشهای طوطی‌نامه بیشتر به قصه نزدیک می‌شود و در بخشهایی، ویژگیهای داستانهای سنتی نمود بیشتری می‌یابد؛ یعنی ویژگی داستان و قصه هر دو در طوطی‌نامه وجود دارد. «داستان شامل هر نوع نوشته است که در آن ماجراهای زندگی به صورت حوادث مسلسل گفته شود. این طرز تلقی از داستان، بدان اشمالی وسیع خواهد داد؛ بدین معنی که داستان هم شامل حکایت و افسانه و اسطوره (خواه منظوم و خواه منثور) خواهد بود و هم شامل قصه به معنای امروزی آن، یعنی رمان» (براهنی، ۱۳۶۲: ص ۴۰). تأکید بر حوادث، خرق عاداتها و امور خارق‌العاده، محکم نبودن روابط علت و معلولی میان رویدادها، ایستایی و تغییرناپذیری شخصیتها، مطلق‌گرایی و ختم شدن به نتایج اخلاقی، طوطی‌نامه را به قصه و داستانهای سنتی نزدیکتر می‌کند.^۶

اگرچه داستان اصلی طوطی‌نامه محتوای واحدی دارد در داستانهایی که در ۵۲ شب نقل می‌شود و در داستانهای فرعی دیگر، محتوای واحدی نیست و وقایع و حوادث، بسیار گوناگون و ناهمگون است. در این داستانها انسان در کنار حیوانات و موجودات شگفت دیگر قرار می‌گیرد و با آنها گفتگو و هم‌بانی می‌کند و کارهایش با اعمال آنها

گره می‌خورد. در قصه‌هایی که به شیوه «هزار و یک شب» آفریده شده است از زبان حیوانات به وجه تمثیل سخن گفته می‌شود و قصه‌ای در میان قصه دیگر می‌آید. «اصولاً آوردن یک قصه در قصه دیگر از ویژگیهای قصه‌های هندی است که در مه‌ابهارات و دیگر کتابهای هندی نظیر آنها را می‌توان یافت... خصوصیت دیگر این گروه قصه‌ها اختلاط انسان با کلیه مخلوقات این جهان است. در این قصه‌ها انسان با حیوان و گیاه و جماد ارتباط نزدیک دارد. انسان با آنها هم‌زبانی می‌کند و از آنها یاری می‌طلبد و با آنها دوستی می‌کند و از اعمال و سخنهاى آنها عبرت می‌گیرد. رشته‌ای نامرئی میان انسان و آنها کشیده شده است. در این قصه‌ها، انسان به شکل حیوان و گیاه در می‌آید و حیوان و گیاه به شکل انسان. مثل این است که هیچ تفاوتی در اصل، میان آنها نیست و همه از یک گوهر و یک سرچشمه‌اند؛ از جایی آمده‌اند و به جایی می‌روند و در سرنوشت واحدی سهیمند؛ با هم می‌آمیزند و از هم جدا می‌شوند و در این تناسخ روزگار خود را می‌گذرانند تا نوبتشان به سر رسد و جانیشان را به موجود دیگری واگذار کنند» (میرصادقی، ۱۳۶۵: ص ۱۳۵). در این داستانها زنان نقش بسیار زیادی ایفا می‌کنند و به نوعی محور حوادث قرار می‌گیرند. گویی یک طرح اولیه مشابه و یکسانی در تمامی این داستانها می‌توان یافت. «یک طرح اولیه [یا ایده داستانی] را می‌توان با تعداد زیادی طرح روایی بیان کرد» (برتس، ۱۳۸۴: ص ۴۹).



بیان داستانها

بیان و لحن داستانها جدی است و از بیانهای طنزآلود یا مطایبه چیزی در آن دیده نمی‌شود. داستان اصلی و داستان شب اول بدون هیچ مقدمه‌ای شروع می‌شود و هیچ برجستگی بیانی و سبکی در آنها دیده نمی‌شود. از داستان شب دوم به بعد، نوعی بیان و لحن ادبی توصیفگرا که پر از ترکیب‌سازی و تصویرآفرینی است در آغاز همه داستانها دیده می‌شود که قاعده‌تاً ابتکار خود ضیاء نخشی است. این نوع بیان، لحن و زبان طوطی‌نامه را به متون فنی نزدیک می‌کند. به دو نمونه اشاره می‌شود: «چون درلمعانی روز، یعنی آفتاب در درجک مغرب نهادند و گوهر شب چراغ یعنی ماه از کان مشرق بیرون آوردند، خجسته لامعتر از آفتاب و ساطعتر از ماهتاب به طلب رخصت بر طوطی رفت» (نخشی، ۱۳۷۲: ص ۱۱۱). «چون ضفدع زر هیکل آفتاب در آبگیر مغرب رفت و ماهی آسمان از دام مشرق برون آمد، خجسته، خود را به انواع حيله

آراسته... (همان: ص ۲۲۳).

همچنین نخشی در میان تمام داستانها و بویژه در انتهای داستانهای فرعی ابیاتی را می آورد که با مضمون داستان مرتبط است و خلاصه محتوا و پیام هر داستان را بیان می کند. این اشعار که هر کدام دو بیت است با واژه نخشی شروع می شود و در قالب قطعه های دوبیتی - شبیه به چهار پاره امروزی - و تمامی در بحر خفیف سروده شده است. در پایان ۵۲ داستان، طوطی با یادآوری مضمون و نتیجه داستان به خجسته، سبک بیانی ویژه ای را به داستانها می دهد. پایان این داستانها هم حاوی نکات عبرت آموز است و هم تمهیدی می شود برای آغاز داستان دیگر و تسلسل حوادث و ادامه جریان داستان اصلی. زبان این داستانها نسبتاً ساده و قابل فهم است. «از کلیله و مرزبان نامه که بگذریم در آثار منشور دیگر چون طوطی نامه و بختیارنامه، زبان کمی ساده تر می شود و زبان راویان قصه گو در نقل حکایتها به کار می رود» (تقوی، ۱۳۷۶: ص ۱۲۱).

حجم داستانها

برخی از پژوهشگران، داستانهای طوطی نامه را از نوع داستانهای بلند می دانند. «قصه های عامیانه ادب فارسی از نظر حجم به دو نوع کوتاه و بلند تقسیم می شود و نوع بلند آن از نظر موضوعی به انواعی دسته بندی می شود که یک نوع آن قصه های بلندی است که به شیوه کتاب هزار و یک شب نوشته شده است؛ نظیر قصه چهل طوطی یا طوطی نامه نوشته ضیاءالدین نخشی» (رزمجو، ۱۳۸۲: ص ۱۸۲).

اما دقیقتر این است که داستانهای طوطی نامه از نظر حجم، اندازه، کوتاه و بلندی به سه دسته زیر تقسیم شود:^۷

۱. داستان بلند: داستان اصلی طوطی نامه که با محوریت میمون، خجسته، طوطی و امیرزاده بیان می شود و از نظر اندازه و حجم، تمام کتاب را در بر گرفته است؛ هر چند میمون و امیرزاده حضور پیوسته در داستان ندارند و بیشتر سخن گفتن طوطی و خجسته در طول داستان دیده می شود.

۲. داستان متوسط: این داستانها از نظر تعدد شخصیتها، بلندی روایت و پیچیدگی حوادث، محدودتر از داستان بلند اصلی، و عمدتاً از داستانهایی است که طوطی آن را در ۵۲ شب برای خجسته نقل کره است. تعداد این داستانها ۵۹ مورد است.

۳. داستان کوتاه: این داستانها از نظر تعداد اشخاص و حوادث و روایت بسیار مختصرتر

از دو دسته پیش است و اغلب شامل داستانهای فرعی طوطی‌نامه می‌شود. «جز داستانهای اصلی دو سه اثر مشهور مانند کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه و طوطی‌نامه، اغلب داستانهای کوتاه هستند. کوتاه به این معنی که تعداد حوادث و درگیریهای داستانی در آنها انگشت شمار است» (تقوی، ۱۳۷۶: ص ۱۲۳). تعداد ۴۰ مورد از ۱۰۰ داستان این کتاب از نوع داستان کوتاه است.

جدول شماره یک «حجم داستانها»^۸

حجم داستانها	شماره داستانها
داستان بلند	داستان اصلی کتاب
داستان متوسط	۵۲ داستان اصلی، ۱/۹، ۲/۱۲، ۱/۲۵، ۳/۴۱، ۱/۴۲، ۲/۴۲، ۱/۴۸
داستان کوتاه	۱/۳، ۱/۴۱، ۱/۵، ۱/۷، ۱/۸، ۲/۸، ۳/۸، ۴/۸، ۵/۸، ۶/۸، ۷/۸، ۱/۱۲، ۱/۱۳، ۱/۱۵، ۲/۱۵، ۱/۱۶، ۱/۱۸، ۲/۱۸، ۱/۱۹، ۱/۲۰، ۱/۲۱، ۱/۲۲، ۱/۲۳، ۱/۲۴، ۲/۲۴، ۳/۲۵، ۱/۲۷، ۲/۲۷، ۱/۲۸، ۲/۲۸، ۱/۳۱، ۱/۳۲، ۱/۳۴، ۱/۳۶، ۱/۳۹، ۱/۴۱، ۲/۴۲، ۱/۴۳، ۱/۴۶، ۱/۴۷.

عناصر داستانی

۱. شخصیتها و راویان

شخصیتها از عناصر اصلی داستان به شمار می‌رود که در پیشبرد آن بسیار اهمیت دارد. در طوطی‌نامه از شخصیتهای مختلفی بهره گرفته شده است. شخصیتهای مختلفی مانند شاهان، امیران، وزیران، شاهزادگان، انبیا و اولیا و بزرگان، غلامان و درویشان و کنیزان و زنان و دختران، مردان، پسران، فرزندان، صاحبان مشاغل مختلف، حیوانات و اشخاص نامعین از این زمره هستند. مجموعاً در طوطی‌نامه از ۵۲۱ شخصیت استفاده شده است که ۳۵۱ مورد یعنی ۶۷/۵ درصد عام و بی‌نام ۱۷۰ مورد یعنی ۳۲/۵ درصد خاص و با ذکر نام هستند. این شخصیتها در پردازش داستانها و بیان مفاهیم و معانی نقش بسزایی دارند. با دقت در احوال این شخصیتها می‌توان دریافت که طوطی‌نامه از انواع شخصیتها بهره گرفته است. کمتر شخصیتی وجود دارد که در این اثر مورد نظر نباشد. با دقت در جدول شماره دو نکات زیر دریافت می‌شود:

۱) بیشترین شخصیتها از حیوانات انتخاب شده است (۱۱۷ مورد، ۲۲/۵ درصد). در میان این حیوانات از طوطی، غوک، شگال، آهو، شیر، و مار استفاده بیشتری شده است و حیوانات دیگری نظیر مگس، خر، شارک، خرس، روباه، گرگ، سیاه گوش، بوزینه، ماهی، سگ، کرکس، گوزن، پلنگ و... در مراحل بعدی قرار می گیرند.

۲) پس از حیوانات، صاحبان مشاغل بیشترین نمود را در پیشبرد داستانهای طوطی نامه دارا هستند (۹۹ مورد، ۱۹ درصد). مشاغلی چون تاجری، بازرگانی، بقالی، صیادی بسامد بیشتری دارد و از صاحبان مشاغل دیگر مانند زرگر، نجار، لشکری، مطبخی، رنگرز، دهقان، باغبان، هیزم فروش، مطرب و... نیز شخصیتهایی انتخاب شده است.

۹۴ مورد از این نوع شخصیتها عام و بی نام است و ۵ مورد دارای نام خاص است (مبارک، منصور، بهزاد، زریر و عبدالملک).

۳) استفاده از شخصیت زنان و دختران در طوطی نامه از نظر بسامد در مقام سوم قرار دارد. اغلب داستانها با محوریت این شخصیتها همراه است. «در مرزبان نامه، طوطی نامه و دیگر آثار هم کم و بیش زن (در نقش انسانی) گاه و بیگاه در حکایت حیوانات حضور پیدا می کند» (تقوی، ۱۳۷۶: ص ۱۹۲). از این شخصیتها ۷۵ مورد (۱۴/۴ درصد) استفاده شده است که ۶۲ مورد عام و ۱۲ مورد دارای نام خاص است (نامهایی چون خجسته، نیک مال، حبذا، معصومه، همناز، خورشید زن، قعریه و...). از بین این زنان و دختران، زن تاجر، دختر بازرگان، زال و دختر پادشاه نمود بیشتری دارد.^۹

۴) مردان و پسران با ۷۲ مورد کاربرد و ۱۳/۸ درصد از شخصیتهای دیگری است که در طوطی نامه حضور دارد. از این میان ۶۰ مورد عام و بی نام و ۱۳ مورد خاص است (نامهایی چون میمون، ابن الغیب، بشیر، مختار، عطارد، کیوان، ایاز و...). جوان و پدردختر بیشترین نمود را در این بحث دارد.

۵) شاهان، امیران، وزیران و شاهزادگان با ۷۰ مورد کاربرد و ۱۳/۵ درصد در مرحله بعد قرار می گیرند که ۵۹ مورد بی نام و ۱۱ مورد دارای نام خاص هستند. (نامهایی چون مامون، بهرام چوبین، پرویز، جاماس، معاویه، فغفور و...). چنانکه دیده می شود از نام پادشاهان و بزرگان مناطق مختلف جهان (اعم از عرب، ایران، چین و هندو و...) در این اثر استفاده شده است.

۶) انبیا، علما و بزرگان در طوطی‌نامه با ۴۳ مورد کاربرد و ۸/۲ درصد از نظر بسامدی در مقام بعد قرار دارند که ۳۱ مورد بی‌نام و ۱۲ مورد دارای نام خاص هستند. (نامهایی چون آدم، موسی، عیسی، ابراهیم، سلیمان، بایزید، جنید، افلاطون). شخصیت‌هایی مانند برهمن، پیر، زاهد، راهب، حکیم بیشترین بسامد را در این بخش دارند.

۷) دسته دیگری از شخصیت‌ها که در طوطی‌نامه کاربرد دارد، شخصیت‌های نمادین است که با ۱۸ مورد کاربرد، ۳/۵ درصد از کل شخصیت‌ها را شامل می‌شود؛ شخصیت‌هایی نظیر صورت حیات پادشاه، مرغ هفت رنگ، سه خواستگار و فرشته وش و... .

۸) غلامان و درویشان و کنیزان با ۱۵ مورد کاربرد و ۲/۹ درصد در مقام بعد قرار می‌گیرند و پس از این شخصیت‌ها اشخاص برگرفته شده از طبیعت، عامه مردم و اشخاص نامعلوم به ترتیب با ۷ و ۵ و ۱ مورد کاربرد از نظر بسامدی در انتهای دسته‌بندی شخصیت داستانهای طوطی‌نامه قرار می‌گیرند.

جدول شماره دو «شخصیت‌های داستانها»^{۱۰}

طبقه کلی	شخصیت‌های عام	شخصیت‌های خاص	تعداد	درصد
حیوانات		آهو، مگس، طوطی، خر، اژدها، شارک، خرس، ماهی، روباه، دد، بوزنه، سگ، مار، خار پشت، گاو، اسب، سیاه‌گوش، کرفش، سمور، گوسفند، گرگ، شیر، وحوش، موش، گربه، مگس، شغال، غوک، طاووس، گوزن، کرکس، شتر، زنبور، عصفور، پیل، پلنگ، ببر، مرغ، دراز گوش	۱۱۷	۲۲/۵
صاحبان مشاغل	تاجر، مردیتاقی، زرگر، نجار، لشکری، مطبخی، صیاد، حایک، سیاح، شحنه، جوهری، رنگرز، دهقان، بقال، پاسبان، مهتر، باغبان، دزد، ندیم، رسول، پیلان، خاک‌بیز، حاجب،	مبارک، منصور، بهزاد، زریر، عبدالملک	۹۹	۱۹

		سپیدباف، کلال، شبان، نیلگر، جا دوگر، کوتوال، وکیل، گواه، هیزم فروش، مطرب، حجام، مقطع، مشاطه، سیمیایی، مغنی، ملاح، ساریان، صراف	
۱۴/۴	۷۵	محروسه، شهرآرا، قعریه، میمونه، نیک فال، حبذا، معصومه، همناز، خورشید زن، محموده، سلیمه، زهره، خجسته	زن و دختران زن، دختر، زال، دلاله، دایه، خواهر خوانده، مادر، خواهر، ملکه
۱۳/۸	۷۲	میمون، ابن الغیب، شیر، مختار، عطارد، لطیف، کیوان، شریف، ایاز، سالم، عبید، صالح	مردان و پسران جوان، مرد، شوی، فرزند، پسر، پدر، کامجو، اعرابی، طفل، دوست، برادر
۱۳	۷۰	بهرام، پرویز، جاماس، معاویه، مامون، فغفور، عمر، خاصه، خلاصه	شاهان، وزرا، امیرزادگان پادشاه؛ امیرزاده، امیر، حاکم، رای، وزیر، خواجه، قاضی، ملک، شاهزاده، قیصر
۸/۲	۴۳	بایزید، سلیمان، ابراهیم، اسماعیل، جنید، امام شافعی، آدم، موسی، افلاطون، احنف، ابراهیم ادهم، خلیفه	انبیا، علما و بزرگان و... زاهد، پیر، برهمن، حکیم، راهب، بهت، جوکی
۳/۵	۱۸	صورت حیات پادشاه، جوکی به شکل پیل، دختر ملک جن، صور مختلف الاشکال، عقاب و کبوتر خاص، سه خاطب، پری، شیخ نورانی، مرغ هفت رنگ و...	شخصیتهای نمادین
۲/۹	۱۵		غلامان و درویشان و کنیزان درویش، کنیزک، زنگی، خدام، غلام

۱/۵	۷		دریا، باد، انبه روزگار، سیب، طبیعت	شخصیتهای برگرفته از
۱	۴		همسایه، مشاهیر، مردمان، اهل سپاه، اهل شهر	عامه مردم
۰.۲٪	۱		شخصی	اشخاص نامعلوم
۱۰۰	۵۲۱	۳۵۱	۱۷۰	جمع

بیشتر شخصیتهای داستانهای طوطی‌نامه ایستا هستند و اغلب فرصتی برای توصیف روحيات و شخصیت درونی آنها ایجاد نمی‌شود. در مجموع شخصیتهای قصه‌ها و داستانهای سستی^{۱۱} تا حدودی از واقعیت دور هستند.

هدف از ارائه و تنظیم این جدول عبارت است از:

۱. نشان دادن تعدد شخصیتهای (۵۲۱ مورد) داستانها
۲. تقریباً از انواع و اقسام اشخاص و طبقات مختلف در این کتاب دیده می‌شود.
۳. در یک نگاه می‌توان جزئیات طبقات را دریافت؛ مثلاً از نوع حیوانات و مشاغل و... در طوطی‌نامه می‌توان آگاه شد و امکان مقایسه و تحلیل بهتری را به دست داد.
۴. دسته‌بندیها به شکل بسامدی و از بیشترین تا کمترین اشخاص انجام شده است که نشان می‌دهد حیوانات و صاحبان مشاغل بیشترین بسامد را دارند ولی طبیعت و عوام مردم از نمود کمتری برخوردارند.

در کنار شخصیتهای یاد شده باید به راویان و گویندگان داستانها نیز اشاره کرد. البته راویان، اشخاص جداگانه‌ای نیستند و اغلب از همین شخصیتهای داستانی هستند که به نقل و بیان داستانها روی می‌آورند.

در باب راوی^{۱۲} داستانهای طوطی‌نامه نکات زیر قابل ذکر است:

۱. داستان اصلی طوطی‌نامه که حدود ۹۹ داستان دیگر را در خود جای می‌دهد (۵۲ داستان در ۵۲ شب و ۴۷ داستان فرعی) با این عبارت آغاز می‌شود: «روایت اسمار و دهات اخبار چنین گویند» (نخشی، ۱۳۷۲: ص ۷). این نوع عبارات که امروزه شکل کلیشه‌ای به خود گرفته است از یک سو به نامعلوم بودن و مبهم بون راوی اصلی

داستان اشاره می‌کند و از سوی دیگر از راوی یا راویان سوم شخص جمع نامشخصی خبر می‌دهد. بنابراین در داستان اصلی، راوی ناشناخته است.

۲. داستانهای ۵۲ شب در اصل مکالمه و گفتگوی خجسته و طوطی است که غالباً روایتگر آنها طوطی است. «در «طوطی‌نامه» راوی بیشتر قصه‌ها طوطی است و هر شب یک تا چهار قصه می‌گوید» (میرصادقی، ۱۳۶۵: ص ۱۳۶). طوطی به دلیل اینکه خود نمی‌تواند منشأ ایجاد داستان و ساختن آنها باشد، غالباً آنها را از راویان و داستانگویان نامعلومی می‌گیرد و ذکر می‌کند. بنابراین بیشتر این ۵۲ داستان از زبان طوطی بیان می‌شود که خود در داستانها و افسانه‌های قدیمی‌تری ریشه دارد.

نمونه: «طوطی گفت: ای خجسته... تو به تعلیم و تلقین من از بدنای و ناکامی چنان خلاص می‌یابی که به تعلیم و تلقین شگال دختر رای خلاص یافته بود. خجسته پرسید چگونه بود آن؟ طوطی گفت...» (نخشب، ۱۳۷۲: ص ۱۴۶).

۳. از ۵۲ داستان اصلی ۴۱ مورد یعنی ۷۹ درصد داستانها را طوطی با این عبارت آغاز می‌کند: «چنین گویند، آورده‌اند، گویند، روایت کرده‌اند» که نشان می‌دهد همه این ۴۱ داستان برگرفته از افسانه‌ها و حکایات دیگر، و از راویان نامعلومی ذکر شده است. نمونه: «می‌ترسم که کار شما به کمال نرسد و نیم کله ماند؛ چنانکه کار معالجه رای کامرو نیم کله ماند و به کمال نرسید. خجسته پرسید چگونه بود؟ طوطی گفت: چنین گویند...» (همان: ص ۴۵).

۴. تعداد ۶ داستان یعنی ۱۱/۵ درصد از ۵۲ داستان اصلی را طوطی با این عبارت شروع می‌کند: «شیران بیشه اسمار و پلنگان قله اخبار چنین گویند، ناقلان اسمار چنین گویند...» که عبارتند از: داستانهای شبهای سی و یکم، سی و پنجم و سی و ششم و سی و هفتم، سی و هشتم و سی و نهم.

نمونه: «خجسته پرسید چگونه بود آن؟ طوطی گفت: اصحاب اخبار و ارباب اسمار چنین گویند...» (همان: ص ۳۲۰).

۵. داستان شبهای هفتم و هشتم را طوطی خود ذکر می‌کند بدون اینکه از واسطه یا راویانی استفاده نماید. «طوطی گفت: وقتی رای بهلستان دختری داشت که...» (همان: ص ۶۲) و یا «طوطی گفت: در شهری از شهرهای هندوستان پادشاهی بود...» (همان: ص ۷۰). البته در داستان شب هفتم بعد از دخالت خجسته در نقل داستان، طوطی با عبارت «چنین گویند» از میانه داستان، گفتار خود را پی می‌گیرد.

۶. داستان شب چهاردهم بیشتر حالت گفتگو دارد که طوطی و خجسته درباره علم موسیقی و کیفیت مزامیر و اختراع و استخراج آن سخن می‌گویند و اصلاً حالت داستانی ندارد.

۷. داستان شب بیست و پنجم را طوطی از قول یاری از یاران قدیم خود بیان می‌کند: «طوطی گفت یاری از یاران قدیم من اینجا بود و حکایتی از زبان طوطی و شارک تقریر کرد که مرا از استماع آن خنده می‌آید. خجسته پرسید آن حکایت چگونه بود. طوطی گفت: آن محب قدیم و آن در محبت مستقیم چنین گفت...» (همان: ص ۲۱۵).

۸. داستان شب آخر به گونه‌ای متفاوت‌تر از سایر داستانها بیان می‌شود؛ یعنی طوطی، داستانی را که خود دیده است نقل می‌کند: «طوطی گفت: در غریب اسمار چنین دیده‌ام که در بنی اسرائیل زاهدی بود...» (همان: ص ۴۲۶).

در میان ۵۲ داستان اصلی کتاب طوطی‌نامه، حدود ۴۷ داستان و قصه فرعی بیان شده است که دربارهٔ راوی این داستانها نیز می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

۱. پنج داستان از ۴۷ داستان فرعی توسط طوطی (راوی اصلی) بیان می‌شود.

۲. هشت داستان از داستانهای فرعی را خجسته بیان می‌کند.

۳. نه داستان توسط پادشاه و وزیر بیان می‌گردد.

۴. راویان سایر داستانهای فرعی عبارتند از: راهبان، زن، دختر، گربه، مارماده، شارک، زن وزیر، سیاه گوش، شگالان، خورشید رای و گوزن که اغلب این راویان، خود از شخصیت‌های داستانهای اصلی هستند و به فراخور موضوع از زبان آنها داستانهایی هرچند کوتاه بیان می‌شود. غالب این داستانها به نوعی در طول همان داستان اصلی بیان می‌شود و از نظر محتوایی به آن نزدیک است.

جدول شماره سه «راویان و گویندگان داستانها»

دسته‌بندی گویندگان و راویان داستانها	شماره داستانها	تعداد داستانها
حیوانات	طوطی (داستانگوی اصلی و همسخن خجسته)	۵۷
	شارک / گربه / مار /	۱۱

	شغال / گوزن/سیاه گوش/طوطی دیگر	۲/۲۵، ۱/۲۹، ۱/۳۱، ۲/۴۱، ۳/۴۱، ۱/۴۲، ۲/۴۲	
انسان	خجسته	۱/۲۰، ۱/۲۱، ۱/۲۲، ۱/۲۴، ۱/۲۸، ۱/۳۹، ۱/۴۱، ۱/۴۶	۸
	راهبان/ زن/ وزیر/ پادشاه/ دختر/ خورشیدرای/ دوست/ زن زریر	۱/۳، ۱/۴، ۲/۸، ۳/۸، ۴/۸، ۵/۸، ۶/۸، ۷/۸، ۱/۹، ۲/۱۲، ۱/۱۶، ۱/۱۹، ۱/۲۷، ۲/۲۷، ۲/۲۸، ۱/۳۲، ۱/۳۶، ۱/۴۷	۱۸
نامعلوم	-	داستان اصلی کتاب، ۱/۷، ۱/۱۲، ۱/۱۳، ۱/۱۵، ۱/۱۸	۶

با این توضیحات درمی‌یابیم که راوی این داستانها اغلب از نوع دانای کل است. «راوی (طوطی) دانای کل است که داستانهای اصلی را بیان می‌کند اما در داستانهای فرعی، گاهی راوی دانای کل است و گاهی سوم شخص و گاهی اول شخص» (گرچی: ۱۳۸۴، ص ۴۲).

هدف از تنظیم این جدول عبارت است از:

۱. همان‌طور که در شخصیتها، حیوانات بیشترین نمود را دارند در میان روایان نیز بیشترین بسامد با حیوانات است؛ یعنی ۶۸ درصد داستانها را حیوانات نقل می‌کنند. احتمالاً مترجم به اصل داستانها وفادار بوده است زیرا بین روایان از عناصر ایرانی و اسلامی، نشان کمتری دیده می‌شود و نظیر کلیله و دمنه و داستانهای هندی، روایان بیشتر از حیوانات انتخاب شده‌اند. بنابراین نوع روایان و گویندگان می‌تواند خواننده را به اصل و منشأ داستانها هدایت کند.

۲. نقش انسان در روایت این داستانها کم رنگتر است.

۳. از اشیا و اجزای طبیعت و عناصر مجرد و غیرمادی در روایت داستانها اثری نیست.

۲. کنش

کنش و عمل داستانی، فعلی است که در داستان رخ می‌دهد. «کاربرد عمل داستانی، معرفی شخصیتها و گسترش پیرنگ است» (داد، ۱۳۸۰: ص ۲۱۵). در طوطی‌نامه از مجموع

۱۰۰ داستان، ۳۱ داستان فاقد کنش خاصی است و ۶۹ داستان از کنش و عمل داستانی برخوردار است. اغلب داستانهایی که در آنها کنش دیده نمی‌شود از داستانهای فرعی کتاب طوطی نامه است که در ضمن داستان دیگر آمده و جایی برای پرداختن به این مقوله نبوده است.

جدول شماره چهار «کنش در داستانها»

داستانهای فاقد کنش	داستانهای کنش دار	
۱/۳، ۱/۷، ۱/۹، ۱/۱۲، ۱/۱۳، ۱/۵، ۱/۸، ۱/۱۶، ۱/۱۸، ۱/۱۹، ۱/۲۰، ۱/۲۱، ۱/۲۲، ۱/۲۳، ۱/۲۴، ۱/۲۷، ۱/۲۸، ۱/۳۳، ۱/۳۹، ۱/۴۱، ۱/۴۲، ۱/۴۳، ۱/۴۶، ۱/۴۷، ۱/۴۸، ۱/۴۹، ۱/۵۰، ۱/۵۲	۴/۸، ۳/۸، ۲/۸، ۱/۸، ۸، ۷، ۶، ۱/۵، ۵، ۱/۴، ۴، ۳، ۲، ۱، ۲/۱۵، ۱۵، ۱۳، ۲/۱۲، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۷/۸، ۶/۸، ۵/۸، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲/۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۱/۲۴، ۲۵، ۳۱، ۳۰، ۱/۲۹، ۲۹، ۲/۲۸، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲/۲۵، ۱/۲۵، ۱/۳۱، ۳۲، ۱/۳۲، ۳۴، ۱/۳۴، ۳۶، ۱/۳۶، ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۳/۴۱، ۱/۴۲، ۲/۴۲، ۴۴، ۴۵، ۴۷، ۱/۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۱ و داستان اصلی	۶۹
۳۱		

این جدول نشانگر این است که بیشتر داستانها (۶۹ درصد) از عمل داستانی و کنش برخوردار است؛ یعنی در این داستانها حوادث پیچیده تر و اشخاص درگیرتر هستند و نویسنده به داستانهای کنش دار و فنی تر گرایش بیشتری دارد تا داستانهای ساده و سهل الوصول. ضمناً خود نویسنده نیز در این نوع داستانها درگیرتر و دخیلتر است تا اینکه فقط حوادث مختصری را بنویسد.

۳. نتیجه اخلاقی

قصه ها و داستانهای سنتی اغلب به نتیجه اخلاقی مثبت یا منفی ختم می‌شوند و کمتر قصه و داستانی با این اوصاف وجود دارد که بر محور اندیشه یا پندار اخلاقی شکل نگرفته باشد؛ حتی این نتایج به گونه ای مطلق گرایی و یکنواختی می‌رسد. «بنمایه و زیر بنای همه قصه ها ترویج اصول انسانی و ارزشهای اجتماعی، قومی، سنتی، اقلیمی، فرهنگی، و اجتماعی قصه گو است. ارزشهایی مانند برادری، عدالت خواهی، برابری، شجاعت، عشق و بخشش در قصه، نمود آشکاری دارد...» (انوشه، ۱۳۸۱: ص ۱۱۲۳)^{۱۳}.

از بین ۱۰۰ داستان طوطی‌نامه، ۵۴ داستان این نوع نتایج و توصیه‌های اخلاقی را دربردارد و ۴۶ مورد فاقد هر گونه توصیه یا نتیجه اخلاقی است.

از ۵۴ داستانی که به نتایج اخلاقی پایان می‌پذیرد، چهل و یک داستان، نتایج اخلاقی مثبت و مقبولی را توصیه می‌کند؛ مفاهیمی چون اخلاص و صداقت، صلاح نبون همنشینی با ناهمجنس، بار رعیت کشیدن توسط پادشاه، دانستن قدر اخلاص، فاش نکردن اسرار، سودمندی مشورت، پشیمانی به دلیل تنبلی، زیان ندیدن از پاکی، خلاص دادن خود از جای خطر و هلاک، روی آوردن به زهد و عبادت، رعایت حال زیردستان، توجه به پدر و مادر، عدم اعتماد بر دشمن، شنیدن سخن ناصحان، پاکدامنی و... . ۱۳ داستان دیگر به نتایج منفی یا خنثی ختم می‌شود؛ نتایجی چون بی‌وفایی زن، مکر زن و حيله و نیرنگ اختیار کردن و... .

با توجه به اینکه طوطی‌نامه بر محور بی‌وفایی و مکر خجسته و داستانگویی طوطی شکل می‌گیرد، رسیدن به چنین نتایج منفی در برخی از داستانها اجتناب‌ناپذیر است. بویژه که اصل این اثر خارج از مرزهای فکری موجه ما ایرانیان پدید آمده است.

علاوه بر نتایج اخلاقی یاد شده در بسیاری از داستانهای طوطی‌نامه به بنمایه‌های یکسانی می‌توان دست یافت. اصولاً در قصه‌ها و داستانهای کهن، اشخاص و حوادث، گسترش‌دهنده بنمایه‌ها و مفاهیم ویژه و مکرری هستند. این موضوع در پژوهشهای پروپ و در تحلیل قصه‌های روسی اثبات شده است. «پروپ با تحلیل محتوای حدود صد قصه عامیانه روسی به بنمایه‌های تکرار شونده آنها دست یافت» (گیرو، ۱۳۸۳: ص ۱۰۹). در داستانهای طوطی‌نامه، زنجیره بنمایه‌های تکراری و خطی وجود دارد که اغلب با تغییر اشخاص و برخی حوادث جزئی متمایز می‌شود. به دو دسته از این بنمایه‌ها اشاره می‌شود:

الف) زنجیره نوع اول که دو عنصر وابسته به هم و یک‌عنصر متضاد و یک واسطه دارد.

بازرگان به سفر می‌رود؛ زن او به جوانی دل می‌بندد؛ طوطی واسطه‌وار مانع می‌شود؛ نتیجه: خیانت زن سبب کشته شدنش می‌گردد.

این زنجیره که الگوی داستان اصلی طوطی‌نامه است با تغییر اشخاص در داستانهای متعددی دیده می‌شود:

۱. داستان فرعی شب اول: تاجر به تجارت رفت؛ زن او شیفته جوانی شد؛ طوطی واسطه است؛ نتیجه: خیانت زن فاش نمی‌شود و تاجر فریب می‌خورد.
 ۲. داستان فرعی شب چهارم: طوطی بر درختی لانه دارد؛ فرزندان طوطی با روباهی دوست می‌شوند؛ سیاه‌گوش و صیاد واسطه‌اند؛ نتیجه: فرزندان طوطی، خود و مادر را گرفتار می‌کنند.
 ۳. داستان فرعی شب ششم: رای در بهلستان زندگی می‌کند؛ دخترش مورد علاقه درویشی قرار می‌گیرد؛ وزیر واسطه است؛ نتیجه: درویش، دختر را به زنی می‌گیرد.
 ۴. داستان شب هشتم: پادشاهی در هند حکومت می‌کرد؛ پسرش مورد علاقه کنیزی قرار می‌گیرد؛ هفت وزیر واسطه هستند؛ نتیجه: پسر از نحوست نجات می‌یابد.
 ۵. داستان فرعی شب هشتم: تاجری به سفر می‌رود؛ زن او دل به معشوقی می‌بندد؛ زال واسطه است؛ نتیجه: زن با جنجال و فریب بر تاجر فایق می‌آید.
 ۶. داستان شب شانزدهم: پسر رای ازدواج می‌کند؛ زن او به جوانی دل می‌بندد؛ شگال واسطه است؛ نتیجه: زن متوجه خیانت خود می‌شود.
 ۷. داستان شب هفدهم: تاجری به تجارت مشغول می‌شود؛ زن او مورد توجه جوانی قرار می‌گیرد؛ راهبی واسطه است؛ نتیجه: زن، پاکدامنی خود را حفظ می‌کند.
 ۸. داستان شب بیست و چهارم: مردی ازدواج می‌کند؛ زنش، حبذا شیفته جوانی به نام بشیر است؛ اعرابی واسطه است؛ نتیجه: زن به خواسته خود می‌رسد.
 ۹. داستان فرعی شب بیست و پنجم: بازرگانی به سفر می‌رود؛ همناز، زنش شیفته جوانی است؛ دزدی واسطه است؛ نتیجه: زن رسوا می‌شود.
 ۱۰. داستان شب سی و هشتم: صعوه بر درختی لانه دارد؛ تخمش را فیلی می‌شکند؛ مرغ دراز نوک و زنبور و غوک واسطه‌اند؛ نتیجه: صعوه بر فیل فائق می‌آید.
- ب) زنجیره نوع دوم که واسطه در آن حاضر نیست:
۱. داستان فرعی شب چهارم: جوکی مصمم است عصمت زنش را حفظ کند؛ زن جوکی مصمم بر فساد است؛ نتیجه: زن جوکی با صد نفر فساد می‌کند.
 ۲. داستان فرعی شب پنجم: بوزنه و پسر کوتوال دوستی دارند؛ هر دو با هم درگیر می‌شوند و سر پسر کوتوال زخمی می‌شود؛ نتیجه: خون بوزنه ریخته می‌شود تا پسر کوتوال از مرگ نجات یابد.

۳. داستان شب ششم: نجار، زرگر، زاهد و حایک صورتی می‌تراشند که به زنی تبدیل می‌شود؛ هر چهار نفر شیفته او می‌شوند و ادعای تصاحب آن زن را دارند؛ نتیجه: درخت، زن را در خود فرو می‌برد و همه پشیمان می‌شوند.

۴. داستان فرعی شب هشتم: جوانی که مکر زنان می‌نوشت در خانه زنی فرود آمد؛ زن با او جنجالی ساختگی پدید می‌آورد؛ نتیجه: جوان به عدم امکان شناخت کامل مکر زنان اقرار می‌کند.

لازم به ذکر است در ۱۰۰ داستان طوطی‌نامه زنجیره‌های دیگری را نیز می‌توان یافت اما دو زنجیره یاد شده در بسیاری از داستانها تکرار می‌شود.

۴. حوادث خارق‌العاده

حوادث خارق‌العاده و اعجاب‌انگیز از ویژگی مهم قصه‌ها و داستانهای سنتی است. «برای گروهی گفتن قصه‌ای هیجان‌انگیز فی‌نفسه هدف است. آنها از آوردن رخدادهای نامحتمل یا حتی خیالی در اثر خود ابایی ندارند» (اسکولز، ۱۳۸۳: ص ۲۰). از میان داستانهای طوطی‌نامه، ۳۵ مورد با حوادث خارق‌العاده همراه است و ۶۵ مورد فاقد این ویژگی است. بیشتر این حوادث بر محور شخصیتها می‌چرخد و غالباً به نوعی با حیوانات و اشیا گره می‌خورد.

برخی از این حوادث شگفت عبارت است از: صورت حیات پادشاه به شکل زن (داستان ۲)، مسخ فرزندان (داستان ۳)، جوکی به شکل پیل (داستان ۱/۴)، جان گرفتن صورت تراشیده (داستان ۶)، میوه‌ای که حیات ادبی می‌دهد (داستان ۹)، دریا به شکل آدمی (داستان ۱۱)، گوشت از اندام خود بریدن شاهزاده (داستان ۱۸)، سگته کردن، دفن شدن و دوباره زنده شدن دختر (داستان ۲۰)، خندیدن مرغ بریان (داستان ۲۲)، خنده‌ماهیان (داستان ۲۳)، به هم چسبیدن سر و بدن (داستان ۱/۳۴)، سبوی شگفت‌انگیز (داستان ۳/۴۱)، بینا شدن کور به واسطه مار سیاه (داستان ۱/۴۲) و زر شدن راهب (داستان ۴۵). «تأکید بر حوادث خارق‌العاده، بیشتر از تحول و تکوین آدمها و شخصیتهاست. در قصه یا حکایات محور ماجرا بر حوادث خلق‌الساعه قرار دارد؛ حوادث، قصه‌ها را به وجود می‌آورد و در واقع رکن اساسی و بنیادی آن را تشکیل می‌دهد» (داد، ۱۳۸۰: ص ۲۳۴).

در داستانهای دیگر طوطی‌نامه که فاقد خرق‌عادت است، حوادث و رویدادها تا حدودی

قابل قبول و پذیرفتنی است و خواننده کمتر دچار اعجاب می شود.^{۱۴}

۵. زمان

زمان در قصه‌ها و داستانهای سنتی چندان شناخته شده و قطعی نیست و اغلب فرضی و کلی است به گونه‌ای که خیلی نمی‌تواند خواننده را به زمان وقوع حادثه راهنمایی کند. در طوطی نامه از مجموع ۱۰۰ داستان تنها در ۱۵ مورد یعنی در ۱۵ درصد داستانها به زمان اشاره شده است و در ۸۵ مورد یعنی ۸۵ درصد هیچ اشاره‌ای به زمان وقوع داستان نمی‌شود. زمان ذکر شده در ۱۵ داستان یاد شده بسیار کلی و کلیشه‌ای است. در ۱۱ مورد فقط با کلمه «وقتی» به زمان مبهم وقوع داستان اشاره شده و در ۴ مورد (داستان اصلی، شب دهم، شب بیستم و شب چهل و چهارم) با عباراتی چون ایام خالی و قرون بالیه، قرون در نوشته و دهور خالی، زمان مبهم و کلی وقوع قصه و داستان بیان گردیده است. با توجه به اینکه زمان در این نوع داستانها تقریباً با سایر داستانهای همانند، مشترک است به ویژگی خاصی در این زمینه نمی‌توان دست یافت.

۶. مکان

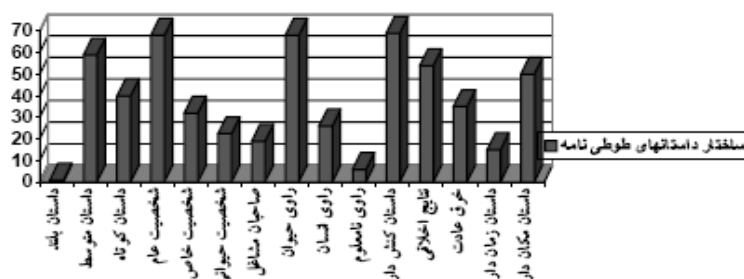
مکان نیز اغلب در قصه‌ها و داستانهای سنتی نامشخص و فرضی است؛ حتی مکانهایی که ذکر می‌شود صددرصد قطعی و واقعی نیست. در طوطی نامه از مجموع ۱۰۰ داستان، ۵۰ مورد (۵۰ درصد) مکان دار و دارای جایگاه مکانی مشخص است و ۵۰ مورد (۵۰ درصد) فاقد مکان ذکر شده است. از مکانهای ذکر شده در ۵۰ داستان یاد شده، ۱۲ مورد عام و بی‌نام است که با لفظ شهر بیان شده و ۳۸ مورد دارای نام خاص است. مکانهایی چون هند (در داستان اصلی و داستانهای ۱، ۷، ۸، ۱۷، ۴۴، ۲/۴۲)، طبرستان (داستان ۲)، کامرو (داستان ۵)، شام (داستان ۹)، مازندران (داستان ۲/۱۲)، سپاهان (داستان ۱۳)، چین (داستان ۱۵)، بنارس (داستان ۱۶)، زابل (داستانهای ۳۶، ۱۸)، گجرات (داستان ۲۱)، کرمان (داستان ۲۲)، تبریز (داستان ۲۳)، سراندیب (داستان ۲۵)، بلادعرب (داستان ۲۶)، عراق و نیشابور (داستان ۲۷)، کابل (داستان ۳۴)، بابل (داستان ۳۵)، سیستان (داستان ۳۷)، ترمذ (داستان ۴۲)، خوارزم (داستان ۴۵) و اماکن دیگری چون بلخ، بغداد، بصره، روم و... از این جمله است. برخلاف عنصر زمان، که در طوطی نامه از سایر داستانهای همانند چندان متمایز نیست،

عنصر مکان تا حدودی مشخصتر و قابل شناخت تر است. بسیاری از نامهای مکانی یاد شده، چنانکه می بینیم، نشاندهنده اماکن خاص است و از کشورهای مختلف هند، چین، روم، بلاد عرب، و شهرهای مختلف هند و ایران انتخاب شده است. بنابراین تا حدودی می توان به عنصر مکانی داستانها پی برد. چون اصل طوطی نامه از هند است و مترجم ایرانی، آن را بازنویسی کرده است و بسیاری از داستانها با محور بودن بازرگان و تاجر - که اغلب به سرزمینهای مختلف سفر می کنند - شکل گرفته است، تنوع مکانهای یاد شده در داستانها نیز با این سه عامل ارتباط نزدیکی دارد.

نتیجه

داستانهای طوطی نامه از نوع داستانهای منثور غنایی و تمثیلی است که در آنها، اغلب ویژگیهای قصه ها را می توان یافت؛ ویژگیهایی چون تأکید بر حوادث، وجود امور خارق العاده، محکم نبودن روابط علت و معلولی میان رویدادها، مطلق گرایی، پایان یافتن به نتایج اخلاقی، تغییرناپذیری شخصیتها و فرضی بودن زمان و مکان. تمام داستانها با بیانی جدی شکل گرفته است. دقت در نمودار زیر نتایج را عینی تر نشان می دهد.

نمودار کلی ساختار داستانهای طوطی نامه



این نمودار نشان می دهد که در ۱۰۰ داستان طوطی نامه از نظر حجم یک مورد داستان بلند، ۵۹ مورد متوسط و ۴۰ مورد کوتاه است. در این داستانها از ۵۲۱ شخصیت استفاده شده که ۶۷/۵ درصد عام و ۳۲/۵ درصد خاص است. بیشترین شخصیتها از حیوانات (۲۲/۵ درصد) و صاحبان مشاغل (۱۹ درصد) است. راوی اغلب داستانها (۵۷ درصد)، طوطی است. همچنین حیواناتی نظیر شارک، مار، شغال و... ۱۱ درصد داستانها،

خجسته ۸ درصد داستانها، افرادی نظیر راهب، وزیر، پادشاه و... ۱۸ درصد از داستانها را نقل می کنند و راوی ۶ درصد از داستانها نامعلوم است. از مجموع ۱۰۰ داستان، ۶۹ درصد دارای کنش و ۳۱ درصد فاقد کنش است. همچنین ۵۴ درصد داستانها نتایج و توصیه های اخلاقی دارد و ۴۶ درصد فاقد آن است. در ۳۵ داستان به حوادث خارق العاده اشاره شده، ۱۵ درصد داستانها دارای زمان و ۸۵ درصد فاقد زمان است و سرانجام اینکه از مجموع ۱۰۰ داستان، ۵۰ درصد مکان دار و ۵۰ درصد فاقد جایگاه مکانی مشخص است.

یادداشت

۱. در روش کار از شیوه مقاله ساختار داستانهای گلستان (ذوالفقاری: ۱۳۸۶، ص ۱۲۵) بهره گرفته شده است.

۲. درباره داستانهای عامیانه و شیوه های مختلف بررسی آنها می توان به این دیدگاه ها نیز اشاره کرد: ولادیمیر پراپ که تمام قصه های قومی را به هفت حوزه عمل و سی و یک جزء یا کارکرد تقسیم کرد (پراپ، ۱۳۶۸: تمام صفحات)، (ایگلتون، ۱۳۸۳: ص ۱۴۴)، (گیرو، ۱۳۸۳: ص ۱۰۹) و (برتس، ۱۳۸۴: ص ۴۹ و ۵۰ و ۵۱ و ۵۲) و (سلدن، ۱۳۸۴: ص ۱۴۲، ۱۴۱).
تروتان تودورف که شخصیتها را به مثابه اسم و ویژگیهای آنها را به عنوان صفت و اعمال آنها به منزله فعل قلمداد می کند و هر یک از قصه ها را به شکل یک جمله بسیط بازنویسی می کند (ایگلتون، ۱۳۸۳: ص ۱۴۵).

- همچنین درباره روایت شناسی رجوع شود به: سجودی، ۱۳۸۳: ص ۷۳ و گرین، ۱۳۸۳: ص ۱۰۹.
۳. ر.ک: میرصادقی، ص ۱۳۶۵: ص ۱۳۸، صفا، ۱۳۸۲: ص ۱۲۹۴ و محجوب، ۱۳۸۳: ص ۴۵۹.
۴. ر.ک: محجوب، ۱۳۸۳: ص ۱۵۸، تقوی، ۱۳۷۶: ص ۵۲ و ۱۱۷، رزمجو، ۱۳۸۲: ص ۲۴۸ و تفضلی، ۱۳۷۶: ص ۲۱۸.
۵. ر.ک: میرصادقی، ۱۳۶۵: ص ۴۳۵.
۶. ر.ک: گلشیری، ۱۳۴۸: ص ۱۴.
۷. ر.ک: محجوب، ۱۳۸۳: ص ۱۲۶.
۸. شماره داستانهایی که با ممیز آمده، نشان دهنده شماره داستان اصلی و داستان فرعی است؛ مثلاً ۱/۹ یعنی داستان فرعی اول از داستان شب نهم.
۹. ر.ک: همان: ص ۷۰۳.
۱۰. ر.ک: طبقه بندی انواع قهرمانها، فرای، ۱۳۷۷: ص ۴۷.
۱۱. ر.ک: فورستر، ۱۳۶۹: ص ۷۳.

۱۲. رک: گورین، ۱۳۷۰: ص ۱۰۰ و گورین، ۱۳۸۵: ص ۹۱ و میرصادقی، ۱۳۶۷: ص ۲۷۷.
۱۳. رک: داد، ۱۳۸۰: ص ۲۳۴ و محجوب، ۱۳۸۳: ص ۱۱۷ و ۱۲۲.
۱۴. غرض از خرق عادت یا حوادث خارق العاده در این پژوهش، بیشتر موضوعاتی است که با نوعی شگفتی و اعجاب همراه است و خواننده را به تعجب و عدم پذیرش وامی دارد.

منابع

۱. اسکولز، رابرت؛ *عناصر داستان*؛ ترجمه فرزانه طاهری؛ چاپ دوم، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۳.
۲. انوشه، حسن؛ *فرهنگنامه ادبی فارسی*؛ ج ۲، چاپ دوم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱.
۳. ایگلتون، تری؛ *پیشدرآمدی بر نظریه ادبی*؛ ترجمه عباس مخبر؛ چاپ سوم، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۳.
۴. بالانی، پیوند؛ *قصه‌های عامیانه و طوطی‌نامه*؛ ادبیات داستانی، ش ۸۸، سال ۱۳۸۴، ص ۲۹ تا ۲۵.
۵. براهنی، رضا؛ *قصه‌نویسی*؛ چاپ سوم، تهران: نشر نو، ۱۳۶۲.
۶. برتنس، هانس؛ *مبانی نظریه ادبی*؛ ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی؛ چاپ اول، تهران: نشر ماهی، ۱۳۸۴.
۷. پراپ، ولادیمیر؛ *ریخت‌شناسی قصه‌های پریان*؛ ترجمه فریدون بدره‌ای؛ چاپ اول، تهران: توس، ۱۳۶۸.
۸. تفضلی، احمد؛ *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*؛ چاپ اول، تهران: سخن، ۱۳۷۶.
۹. تقوی، محمد؛ *بررسی حکایت‌های حیوانات*؛ چاپ اول، تهران: روزنه، ۱۳۷۶.
۱۰. داد، سیمای؛ *فرهنگ اصطلاحات ادبی*؛ چاپ چهارم، تهران: مروارید، ۱۳۸۰.
۱۱. ذوالفقاری، حسن؛ «*ساختار داستانهای گلستان*»؛ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، سال چهارم، ش ۱۵۶، بهار ۱۳۸۶، ص ۱۲۵ تا ۱۴۰.
۱۲. رزمجو، حسین؛ *انواع ادبی*؛ چاپ چهارم، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۲.
۱۳. ریپکا، یان؛ *ادبیات ایران در زمان سلجوقیان و مغول*؛ ترجمه یعقوب آژند؛ چاپ اول، تهران: گستره، ۱۳۶۴.
۱۴. سجودی، فرزانه؛ *نشانه‌شناسی کاربردی*؛ چاپ دوم، تهران: نشر قصه، ۱۳۸۳.
۱۵. سلدن، رامان؛ *راهنمای نظریه ادبی معاصر*؛ ترجمه عباس مخبر؛ چاپ سوم، تهران: طرح نو، ۱۳۸۴.

۱۶. صفا، ذبیح‌ا...؛ *تاریخ ادبیات در ایران*؛ ج ۳ بخش ۲، چاپ دوازدهم، تهران: فردوس، ۱۳۸۲
۱۷. فرای، نورتروپ؛ *تحلیل نقد*؛ ترجمه صالح حسینی؛ چاپ اول، تهران: نیلوفر، ۱۳۷۷
۱۸. فورستر، ا.م؛ *جنبه‌های رمان*؛ ترجمه ابراهیم یونسی؛ چاپ چهارم، تهران: نگاه، ۱۳۶۹
۱۹. گرجی، ابراهیم؛ «*درآمدی بر طوطی‌نامه با جذائیت‌های امروزمین*»؛ کیهان فرهنگی، ش ۲۲۹. سال ۱۳۸۴ ص ۴۵ تا ۴۶
۲۰. گرین، کیت؛ *درسنامه نظریه و نقد ادبی*؛ ویراسته حسین پاینده؛ چاپ اول، تهران: روزنگار، ۱۳۸۳
۲۱. گلشیری، احمد؛ *داستان و نقد داستان*؛ چاپ چهارم، تهران: نگاه، ۱۳۸۴
۲۲. گورین، ویلفرد و دیگران؛ *راهنمای رویکردهای نقد ادبی*؛ ترجمه زهرا میهنخواه؛ چاپ اول، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۰
۲۳. _____؛ *مبانی نقد ادبی*؛ ترجمه فرزانه طاهری؛ چاپ چهارم، تهران: نیلوفر، ۱۳۸۵
۲۴. گیرو، پی‌یر؛ *نشانه‌شناسی*؛ ترجمه محمد نبوی؛ چاپ دوم، تهران: آگه، ۱۳۸۳
۲۵. محجوب، محمدجعفر؛ *ادبیات عامیانه ایران*؛ به کوشش حسن ذوالفقاری؛ چاپ دوم، تهران: چشمه، ۱۳۸۳
۲۶. میرصادقی، جمال؛ *ادبیات داستانی*؛ چاپ دوم، تهران: ماهور، ۱۳۶۵
۲۷. _____؛ *عناصر داستان*؛ چاپ دوم، تهران: شفا، ۱۳۶۷
۲۸. نخشبی، ضیاء؛ *طوطی‌نامه*؛ تصحیح فتح‌الله مجتبایی و غلامعلی آریا؛ چاپ اول، تهران: منوچهری، ۱۳۷۲
۲۹. یونسی، ابراهیم؛ *هنر داستان‌نویسی*؛ چاپ هشتم، تهران: نگاه، ۱۳۸۴.